

مسئله‌ی بیکاری

رژیم سعی می‌کند که از حل مسئله‌ی بیکاری دست بکشد

اخیراً رژیم ایران، که به اصطلاح با پیروزی «انقلاب اسلامی» بر علیه استثمار امپریالیسم بر «امت» بر سر کار آمده بود، بار دیگر به ورشکستگی خود اعتراف کرد. در حین اظهار نظریاتی که مثل روز روشن می‌کند که سیاست‌های «انقلابی» رژیم در حوزه‌ی اقتصادی به بن بست رسیده، وزیر کار و امور اجتماعی گفت که «زمینه ایجاد اشتغال باید به وسیله بخش خصوصی در کشور فراهم شده و دولت مسئولیت بسترسازی را عهده‌دار گردد.» (ایرنا، ۱۹ دی ۱۳۸۱).

«صفدر حسینی» افزود که «۷۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است بخش خصوصی اساساً در جامعه میدان پیدا نکرده است.» و حکومت خاتمی خواهان آن بوده که «دولت کم کم خود را از حوزه اقتصادی کنار بکشد و کار اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار کند.»!!!

وسعت مشکل بیکاری تا چه حد است؟

آقای وزیر خوب می‌داند که سطح بیکاری به طور کلی مهم ترین مشکلی است که در جامعه وجود دارد. برای مثال، «باقر نژادیان»، عضو کمیسیون انرژی مجلس، گفت که «بزرگ ترین معضل جامعه، اشتغال بوده، هست و خواهد بود [و] ... امروز خطر بیکاری ده‌ها برابر از خطر جنگ برای جوانان، ملت، متخصصین و غیرمتخصصین پر اهمیت‌تر است.» (ابرار اقتصادی، ۱۹ دی ۱۳۸۱).

پس آیا این، حتی در محدوده‌ی اقتصاد بورژوازی، راه حل قابل دوامی می‌باشد؟ آیا سرمایه‌ی خصوصی، و آن هم فقط در طول چند سال (!)، می‌تواند که کاری را که سرمایه‌ی دولتی در طول ۲۳ سال قادر به انجامش نبوده، انجام دهد؟ جواب این سؤال «خیر» می‌باشد! و اکثر عناصر این جواب منفی نیز در نظرات آقای حسینی موجود می‌باشند. وزیر کار با اشاره به غالب بودن اقتصاد نفتی می‌گوید که «بخش خصوصی در حاشیه‌ی مانده است». این صحت دارد. ولی همه می‌دانند که بخش نفت و گاز هنوز برای چندین دهه منبع اصلی درآمد خارجی ایران از صادرات خواهد بود. بر خلاف تمامی بیانیات و گزاره‌ی گویی‌های «تمدن بزرگ» شاه، و ۲۳ سال شعارها و اقدامات مضحک «ضد امپریالیستی» ی ملایان، نفت هنوز ۸۰ درصد درآمد خارجی ایران را تأمین می‌کند. نفت هم چنین منبع ۴۰ تا ۵۰ درصد درآمد دولت می‌باشد. بنابر این پایه‌ی بقاء هر رژیم می‌باشد - همان طور که شاه در زمان اعتصاب کارگران نفت به آن پی برد!

حسینی هم چنین گفت «۷۰ درصد بیکاران جویای کار کشور فاقد هر نوع مهارت هستند». ولی آقای حسینی این را ذکر نمی‌کند که با فرا رسیدن بیست و چهارمین سالروز انقلاب، و با در نظر گرفتن این که در اصل جوانان شامل اکثر بیکاران می‌باشند، چرا رژیم کاری در این مورد انجام نداده است؟! اگر ۲۴ سال کافی نمی‌باشد، پس چه مدتی طول می‌کشد که نیروی کار ماهری تعلیم یابد؟ چرا این همه کودکان کارگزرده از صف زمین بازی مدرسه مستقیماً به صفوف بیکاران می‌پیوندند؟ چرا تعداد بسیاری از آنان هیچ وقت کار دائمی پیدا نمی‌کنند؟! پس نظام آموزش و پرورش «انقلابی» چه شد؟

او هم چنین نمی‌تواند توضیح دهد که چگونه نرخ بیکاری در بین فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها به ۲۸ درصد رسیده است! «فرار مغزها» پدیده‌ایست که چند سالی مورد بحث قرار گرفته است. از ۱۴۵۰۰۰ نفری که هر سال کشور را ترک می‌کنند ۱۰۵۰۰۰ آنان تحصیلات دانشگاهی دارند! این مهاجرت بیانگر از دست دادن مبلغ

۵۰ میلیارد دلار در سال می‌باشد (اخبار اقتصادی، ۱۶ آذر ۱۳۸۱). اگر رژیم می‌تواند که کسانی را که سوادشان کم، و یا فاقد سواد، بوده را مقصر وضعیت وخیم خودشان عنوان کند، پس مسئولیت بیکاری و فرار فارغ التحصیلان دانشگاهی با کیست؟

وضعیت بد زنان طبقه‌ی کارگر حتی وخیم تر از این می‌باشد! بیکاری در بین زنان ۹۲ درصد می‌باشد (آفتاب یزد، ۲۸ دی ۱۳۸۱). بسیاری از آنان در بخش خصوصی کار می‌کنند. سرمایه‌ی خصوصی چگونه می‌تواند وضعیت آنان را بهبود بخشد؟ تنها کاری که رژیم برای آنان انجام می‌دهد دراصل این است که استشارشان از سوی سرمایه‌داران را سودمندتر کند! با ترمیم قانون کار بسیار محدود، و ازدیاد سطح استثمار آنان که مشغول کار می‌باشند، نرخ بیکاران پایین نخواهد رفت. وقتی که رژیم چند سال پیش گفت که کارگاه‌هایی که تعداد کارگرانشان سه یا کمتر می‌باشد شامل قانون کار نخواهند بود، سطح بیکاری بالا رفت. بعد سه سال پیش که این آستانه به پنج کارگر یا کمتر ازدیاد یافت چیزی برای کارگران بهبود نیافت. اکنون این به ده کارگر یا کمتر رسیده - و وضعیت کارگران از این هم بدتر خواهد شد!

آیا خصوصی سازی می‌تواند بیکاری را برچیند؟

بنا به گفته حسینی "اصلاح و ساماندهی قانون مالیات ها، ایجاد سازمان خصوصی سازی، قانون سرمایه گذاری خارجی، ایجاد حساب ذخیره ارزی ... و حمایت های مالی از بخش خصوصی را از جمله سیاست های مربوط به واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی" می‌باشند. پس قرار است که این اقدامات اقتصاد را به بخش خصوصی تحویل داده و سپس آن بخش شغل‌های مورد نیاز جامعه را ایجاد کند؟!*

* - ما در این جا آقای وزیر را در مورد عقاید آماتوریش در مورد لزوم ایجاد بازار کاری نظیر بازارهای سرمایه، پول و کالا خجالت نمی‌دهیم.

اما این بحث‌ها پس از اعترافی در مورد "بی انضباطی پولی دولت باعث گسترش تورم و بیکاری در سال آینده خواهد شد" صورت گرفت (کیهان، ۵ دی ۱۳۸۱). آری، گسترش تورم و بیکاری! این نظر دکتر سبحانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه‌ی مجلس، بوده و او هم چنین گفت که "بی انضباتی پولی سبب می‌شود که دولت نتواند هر ساله بیش از ۶۰۰ هزار فرصت شغلی به وجود آورد." ولی هر سال ۱/۸ میلیون نفر در ایران به سن ۱۸ سالگی رسیده و اکنون میزان رسمی‌ی بیکاران ۱۶ درصد می‌باشد! با این که میزان واقعی حدود ۲۱ درصد می‌باشد، ما می‌توانیم ببینیم که رژیم سعی دارد که قبل از این که مسئله‌ی بیکاری ناگزیراً بدتر شود، از آن دست بکشد.

اگر حکومتی نمی‌تواند که به طور جدی به مهم‌ترین مشکل جامعه بپردازد، پس به چه دردی می‌خورد؟ تنها چیزی که رژیم می‌تواند عنوان کند سیاست‌های اقتصادی راست رادیکال (به اصطلاح «نئولیبرال»)، که در همه‌ی کشورهای دیگر به شکست انجامیده، می‌باشند. اکنون همه به غیر از عقب افتاده‌ترین ناسیونالیست‌ها، چه سنتی-اسلامی، چه مدرن-غربی، چه لیبرال بورژوا و چه «کارگر گرایان» مستقل، می‌دانند که در واقع پدیده‌ای به عنوان منافع ملی وجود ندارد. بورژوازی ایران نمی‌تواند از حاکمیت فعلی ملایان مستقل‌تر باشد و نمی‌تواند اسطوره‌ای به عنوان «منافع ملی» را دنبال کند - چه شاه، روحانیان، تکنوکرات‌ها یا ژنرال‌ها بر سر قدرت باشند. واقعیات عینی اقتصادی که چندین دهه در چیرگی امپریالیزم بوده گریزناپذیر می‌باشند. تنها آلترناتیوی که برای بورژوازی باقی مانده امتحان «تئوری‌های» مبهمی قبل از وقوع بحران بزرگی که در راه بوده، می‌باشد. به همین دلیل امروز هر دو جناح رژیم، و به خصوص «اصلاح طلبان»، می‌بایست بر سیاست‌های راست رادیکالی که از سوی «میلتون فریدمن» و شرکاء تدوین شده، تکیه کنند.

راه حل مسئله‌ی بیکاری خصوصی‌سازی نمی‌باشد. سرمایه‌ی خصوصی و سرمایه‌ی دولتی ذاتاً یک پدیده می‌باشند! راه کاهش بیکاری از طریق کاهش ساعات کار بوده،

تا مقدار کار موجود در جامعه در بین تمامی کارگران تقسیم شود. این اولین قدم جدی خواهد بود.

مراد شیرین

m_shirin@yahoo.com

۴ بهمن ۱۳۸۱ - ۲۴ ژانویه ۲۰۰۳

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴